برداشت مرحوم طبرسی از کلام شیخ در مقدمه تبیان

من حال عبارت مجمع البیان را بخوانم. مرحوم طبرسی در مقدمه مجمع فرمودهاند که مقتدای این کتاب من، کتاب تبیان شیخ است. عبارات ایشان هست. بعداً ملاحظه میکنید. فرمودهاند شیخ جلیل تفسیر تبیان را نوشته اند و تعریف های حسابی هم از تفسیر مرحوم شیخ کردهاند.

ایشان به اینجا که رسیدند به این تفصیل تبیان نفرمودند. عبارت مرحوم شیخ را در مقدمه تبیان خلاصه کردند. در «[الفن الثاني]: في ذكر أسامي القراء المشهورين في الأمصار، وروايتهم» بیانی دارند. به این عبارات دقت کنید و ببینید صاحب مجمع اقتباسی که از تبیان کردهاند خیلی جالب است؛ با این برداشتی که ما الآن داشتیم توافق خیلی خوبی دارد. یعنی برداشت ایشان هم همین بوده. این چیزی که ما به آن توجه نمیکنیم برای کسانی که متخصص فن تفسیر هستند واضح بوده. قبلاً هم خدمت شما عرض کردم. حاصل عمر یک مفسری مثل علامه طباطبائی رضوانالله علیه،جلسهای میشود که صوت را ضبط کردهاند و آن را در مهر تابان آوردهاند. یعنی یک عمر سر و کارشان با اینها بوده. بعد میگویند هر سال آیات نازل می شد، قرائت جدید میآمد، جبرئیل آنها را میآورد، همه آنها بود، حتی یک صحابی چند مصحف داشت، همه آنها اقراء بود. اینها شوخی نیست.

این بزرگواران هم همینطور هستند. تبیان نوشتن که شوخی نیست. حال ببینید صاحب مجمع چه میفرمایند: بعد از اینکه قراء را میگویند، میفرمایند:

> قالوا: وإنما اجتمع الناس على قراءة هؤلاء، واقتدوا بهم فيها لسببين. أحدهما: إنهم تجردوا لقراءة القرآن، واشتدت بذلك عنايتهم مع كثرة علمهم، ومن كان قبلهم، أو في أزمنتهم، ممن نسب إليه القراءة من العلماء، وعدت قراءتهم في الشواذ. لم يتجرد لذلك تجردهم، وكان الغالب على أولئك الفقه، أو الحديث، أو غير ذلك من العلوم. والآخر: إن قراءتهم وجدت مسندة لفظا، أو سماعا، حرفا حرفا، من أول القرآن إلى آخره، مع ما عرف من فضائلهم، وكثرة علمهم بوجوه القرآن.
>
> فإذ قد تبينت ذلك فاعلم أن الظاهر من مذهب الإمامية أنهم أجمعوا على جواز القراءة بما تتداوله القراء بينهم من القراءات، إلا أنهم اختاروا القراءة بما جاز بين القراء، وكرهوا تجريد قراءة مفردة، والشائع في أخبارهم أن القرآن نزل بحرف واحد، وما روته العامة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: نزل القرآن على سبعة أحرف كلها شاف كاف، اختلف في تأويله، فأجرى قوم لفظ الأحرف على ظاهره، ثم حملوه على وجهين. أحدهما: إن المراد سبع لغات مما لا يغير حكما في تحليل، ولا تحريم، مثل هلم، واقبل، وتعال. وكانوا مخيرين في مبتدأ الاسلام في أن يقرأوا بما شاءوا منها، ثم أجمعوا على أحدها، وإجماعهم حجة، فصار ما أجمعوا عليه مانعا مما أعرضوا عنه، والآخر: إن المراد سبعة أوجه من

> القراءات، وذكر أن الاختلاف في القراءة على سبعة أوجه أحدها: اختلاف إعراب الكلمة مما لا يزيلها عن صورتها في الكتابة، ولا يغير معناها نحو قوله (فيضاعفه) بالرفع والنصب.والثاني: الاختلاف في الإعراب مما يغير معناها، ولا يزيلها عن صورتها نحو قوله:(إذ تلقونه وإذا تلقونه). والثالث: الاختلاف في حروف الكلمة دون إعرابها، مما يغير معناها، ولا يزيل صورتها، نحو قوله: (كيف ننشزها وننشرها) بالزاء والراء.والرابع: الاختلاف في الكلمة مما يغير صورتها، ولا يغير معناها نحو قوله: (إن كانت إلا صيحة، وإلا زقية)، والخامس: الاختلاف في الكلمة مما يزيل صورتها ومعناها نحو: (طلح منضود وطلع)، والسادس: الاختلاف بالتقديم والتأخير نحو قوله: (وجاءت سكرة الموت بالحق وجاءت سكرة الحق بالموت)، والسابع:الاختلاف بالزيادة والنقصان نحو قوله: (وما عملت أيديهم وما عملته أيديهم).[1]

«قالوا»؛ چند سال گذشته بود و من روی این «قالوا» دقت ندا‌شتم. فضای طلبگی را عرض می‌کنم. نکاتی که در ذهن من طلبه بوده را خدمت شما می‌گویم. خیلی وقتها گفته می‌شود مجمع فرموده که اینها کذا است. ایشان می‌فرمایند «قالوا»؛ یعنی این جمله‌ای که من می‌گویم نقل قول اهل فن است. به من نسبت ندهید.

«**قالوا وإنما اجتمع الناس على قراءة هؤلاء، واقتدوا بهم فيها لسببين، أحدهما**»؛ اول اینکه آنها سر تا پا تخصص بودند؛**«إنهم تجردوا لقراءة القرآن»**؛ عمرشان برای این بوده. از نکات جالب این است که برخی از مهمترین مقرئین در طول تاریخ کسانی بودند که مکفوف بودند. یعنی شخص مکفوف هم حافظه خوبی دارد و هم مجال بیشتری برای نشستن دارد. نمی‌تواند مثل دیگران این طرف و آن طرف برود. خود شاطبی و مقرئین بزرگ بزرگ، حتی عاصم هم دارد. این خیلی جالب است. باید مقاله‌ای شود که مقرئینی که مکفوف البصر بودند و این اقراء آنها و این توفیق آنها و این «تجردوا»، یک زمینه خارجی آن این بوده که مثل ما زمینه‌های ذهنشان را تلف کنند. مجبور بودند. جبر را می‌گویم اما توفیقی است که سبب می‌شود برای تمحض و تجرد.

«والآخر»؛ وجه دوم،**«إن قراءتهم وجدت مسندة»؛** ببینید برخی می‌گویند سندهای اصطناعی، یعنی خودشان نشسته اند برای خودشان سند درست کرده‌اند.خیر، «لفظا أو سماعا، حرفا حرفا، من أول القرآن إلى آخره» حرف به حرف سند دارد. اگر نصفش را خوانده می‌گویی که من تا اینجا سند دارم.

«فإذ قد تبينت ذلك فاعلم أن الظاهر من مذهب الإمامية أنهم أجمعوا على جواز القراءة بما تداوله القراء بينهم من القراءات، إلا أنهم اختاروا»؛ من باره این «اختار» را خوانده‌ام، اما در ذهن من الآن قوی شد که این «اختار» اصطلاحی است. یعنی همانطوری که عاصم، مجاهد و دیگران مختار داشتند، ایشان می‌فرمایند امامیه هم در قرائات مختار دارند. بر خلاف مختار دیگران یک وجه است، مختار امامیه همه وجوه است! فضایی به پا می‌شود!

«الا انهم اختاروا القراءة بما جاز بين القراء»؛ مختار آنها این است.**«وكرهوا تجريد قراءة مفردة**»؛ در تبیان که به اشتباه تجوید نوشته بود، در اینجا تجرید نوشته است.**«و كرهوا تجريد قراءة مفردة والشائع في أخبارهم**»؛ همه قرائات را جایز دانسته‌اند، تعبیری شایع را نگاه کنید،**«و الشائع في اخبارهم أن القرآن نزل بحرف واحد، و ما روته العامة**»؛ طبق تبیان جلو می‌آیند. در تبیان فرمودند «روی المخالفون».

«و ما روته العامه عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: نزل القرآن على سبعة أحرف كلها شاف كاف، اختلف في تأويله»؛ خودشان اختلاف کردند.**«فأجرى قوم لفظ الأحرف على ظاهره»**؛ گفتند احرف یعنی احرف. «ثم حملوه على وجهين»؛ در اینجا خوب دقت کنید. مرحوم شیخ در تبیان سه-چهار وجه گفته‌اند. بعد گفتند املح آنها آخری است. اصلح آن آخری است. اما ایشان خلاصه کردند و می‌گویند بیشتر از دو وجه نمی‌شود. خلاصه‌ای جالب. «حملوه على وجهين»؛ اگر من بخواهم خلاصه آن را بگویم دو وجه است.

«أحدهما: إن المراد سبع لغات مما لا يغير حكما في تحليل، ولا تحريم، مثل هلم، واقبل، وتعال. وكانوا مخيرين في مبتدأ الاسلام في أن يقرأوا بما شاءوا منها، ثم أجمعوا على أحدها، وإجماعهم حجة، فصار ما أجمعوا عليه مانع مما أعرضوا عنه»؛ بقیه آنها کنار می‌رود. حرف طبری را هم که مفصل بحث کردیم. گفت شش تا از آنها نیست. این اول است.

«والآخر: إن المراد سبعة أوجه من القراءات»؛ هفت جور قرائات است. چه جور قرائاتی؟**«وذكر أن الاختلاف في القراءة على سبعة أوجه أحدها: اختلاف إعراب الكلمة مما لا يزيلها عن صورتها في الكتابة»** تا اختلاف هفتم که **«الاختلاف بالزيادة والنقصان»** است که شیخ الطائفه هم اینها را آورده بودند.

---

[۱]مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ج۱ص۳۸

بازبینی #2
ایجاد شده 15 آوریل 2024 15:59:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 10:53:32 توسط ... .